

زبان و ادب فارسی
(نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)
سال ۶۷، بهار و تابستان ۹۳، شماره مسلسل ۲۲۹

بررسی یازده رباعی از خیام در میان رباعیات منسوب به حافظ با تکیه بر تاریخ نسخ و نکات سبکی و محتوایی

دکتر اسدالله واحد*

استاد دانشگاه تبریز

طه صادری

دانشجوی دکتری دانشگاه تبریز

چکیده

بسیاری از رباعیات منسوب به خیام در جای جای متون نظم فارسی به نام شاعران دیگر نیز ضبط شده است. این امر علاوه بر ایجاد تردید در مورد صحت انتساب رباعیات خیام، انتساب چنین رباعیاتی را به شاعران دیگر نیز دشوار می‌سازد. اختلاف در انتساب رباعیات تا حدی است که گاه برای یک رباعی نام هفت شاعر در منابع مختلف درج شده است. بیش از یک سده است که پژوهشگران ایرانی و خارجی درباره صحت انتساب این قبیل رباعیات تحقیق کرده‌اند اما ضرورت پژوهش‌های بیشتر در این زمینه همچنان به قوت خود باقی است. این مقاله با مطالعه یازده رباعی که مشترکاً هم به خیام و هم به حافظ منسوب شده‌اند، در صدد بررسی و نقد صحت انتساب این رباعیات به دو شاعر مورد بحث است. پس از ذکر محل و تاریخ انتساب رباعی‌ها به هر یک از دو شاعر به سبک‌شناسی زبانی و سابقه تاریخی رباعیات پرداخته و مضمون آن‌ها را با مضامین رباعیات اصیل خیام سنجیده‌ایم. در نهایت با رد انتساب آن‌ها به حافظ، با توجه به تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی، انتساب‌شان را به خیام اقوی دانسته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: رباعیات، خیام، حافظ، نسخه‌پژوهی، سبک‌شناسی.

تاریخ وصول: ۹۳/۶/۱۴

تأیید نهایی: ۹۳/۱۲/۱۱

*Email: assadollahvahed@yahoo.com

۱- مقدمه

با این که رباعیات منسوب به حکیم عمر خیام (و ۴۳۹، ف ۵۱۳-۵۱۵ ه ق) جایگاه خاصی میان اهل ادب دارد و اندیشه خیامی موجود در این رباعیات توسط پژوهشگران معاصر به عنوان مکتبی فکری شناخته شده و تأثیرات آن اندیشه در آثار شاعران پس از خیام مورد مطالعه قرار گرفته است، ابهام در صحت انتساب بسیاری از این رباعیات از میان نرفته است.

۲- سابقه بررسی رباعیات خیام

نخستین کسی که کوشید به طور جدی و علمی این مسأله را مطرح کند، والتین ژوکوفسکی^۱ بود که در سال ۱۸۹۷ میلادی با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان رباعیات سرگردان، ۸۲ رباعی منسوب به خیام را در نسخ خطی و چاپی از اشعار ۳۸ شاعر یافت و بیان نمود که نمی‌توان در صحت انتساب رباعیات به خیام قاطع بود. پس از وی نیز افرادی چون آرتور کریستن سن^۲، حسین دانش، محمدعلی فروغی، مجتبی مینوی و جلال‌الدین همایی نظریه او را تأیید کردند و تحقیقاتی در این زمینه انجام دادند. پر واضح است که بدون عنایت به مسائل نسخه‌شناسی، سبک‌شناسی، نکات دستوری، محتوایی و تاریخی، اظهار نظر درباره یک اثر بی‌نقص نخواهد بود.

۳- روش پژوهش در بررسی صحت انتساب رباعیات منسوب به خیام

در این پژوهش، با وجود آثار ارزشمند برخی از محققان پیشین و گستره وسیع متون نظم فارسی، برای بررسی رباعیات منسوب به خیام، لازم دیده شده تا علاوه بر بهره‌مندی از آن تحقیقات و امانت‌داری در ارجاع به آن آثار، نکات جدیدی مطرح شود. از میان ۱۲۷۴ رباعی گردآمده که در کتب و نسخ متعدد به نام خیام درج گردیده، چهل و یک رباعی را به حافظ نیز منسوب یافتیم. با شناسایی محل انتساب آن رباعیات، یازده رباعی که انتساب آن‌ها به لحاظ تاریخ نسخ، تقدم انتساب و سبک و مضمون به خیام اقوی و به حافظ ضعیف یا ناممکن دانسته شده، در این مقاله عرضه گردیده است.

۴- نسخ مورد استناد در گردآوری رباعیات خیام و حافظ

در گردآوری رباعیات منسوب به خیام نخست به منابعی رجوع شده که اطلاع کافی در مورد نحوه گزینش رباعیات خیام داده‌اند. پس از جمع‌آوری تک تک رباعیات از منابع چاپی، با توجه به ارجاع آن‌ها به نسخ خطی حاوی آن رباعیات به تطبیق ارجاعات در منابع مختلف پرداخته شده تا از وجود یک رباعی در یک نسخه خاص اعتماد حاصل شود. نسخه‌های مورد استفاده برای رباعیات خیام در این مقاله به همراه تاریخ تعلق آثار در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. نسخ مورد استناد برای رباعیات منسوب به خیام

نسخ خطی	نزهة المجالس (کتابت در ۷۳۱)، بودلیان (۸۶۵)، طربخانه (۸۶۷)، پاریس a (۸۷۹)، پاریس b (۸۷۹)، پیر پاسکال (قرن نهم به بعد)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۰۲)، محفوظ الحق (۹۱۱)، روزن (۹۳۰)، پاریس (۹۳۴)، پاریس (۹۴۷)، بریتانیا (۹۷۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، برلین (قرن دهم به بعد)، خلاصة الاشعار و زبدة الافکار (۱۰۱۶)، عرفات العاشقین (۱۰۲۴)، بریتانیا (۱۰۳۳)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، ریاض العارفین (۱۲۶۴)، مجمع الفصحاح (۱۲۸۴)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	فیتزجرالد، نیکلا، وینفیلد، کریستن سن، تامسون، دانش، هدایت A و II، جودت، فروغی، تیرتها، برتلس، یکانی، دشتی، فولادوندا و II، دانشفر، میرافضلی.

برای گردآوری رباعیات حافظ از چند دیوان چاپی او که به نسخ مستفاد در آن دیوان ارجاع داده بودند، استفاده شده است. از جمله: خلخالی (۱۳۰۶)، پژمان (۱۳۱۸)، قزوینی - غنی (۱۳۲۰)، انجوی شیرازی (۱۳۴۶)، جلالی - نذیر (۱۳۵۰ و ۱۳۵۲)، فرزاد (۱۳۵۰)، ناتل خانلری (۱۳۶۲)، عیوضی (۱۳۷۹)، نیساری (۱۳۸۶).

۵- سبک‌شناسی خیام و حافظ

برای شناسایی سبک زبانی رباعیات خیام پنجاه رباعی از متون و نسخ قرن هفتم و هشتم انتخاب شد. این رباعی‌ها با در نظر گرفتن تشابهات سبکی و زبانی، قدمت انتساب و عدم تردید در انتساب به غیر مجزا گردید. کثرت تکرار در نسخ و مجموعه‌های رباعیات خیام، اعتماد بر متون و نسخ خطی و تناسب مضمون با اندیشه عمر خیام در متون منثور که محققاً متعلق به وی است، مورد توجه قرار گرفت. کتب مورد استفاده برای گزینش این پنجاه رباعی به این قرار است: التنبیه، مرصادالعباد، نزهة المجالس، لمعة السراج، اقطاب القطیبة، نخبة الشارب، مسالك الممالک، تاریخ جهانگشا، تاریخ و صاف، مونس الاحرار، مجموعه اشعار و مراسلات لالاسماعیل، جنگ خطی مجلس و جنگ اشعار قرن هشتم مستفاد فروغی - غنی.

با اعتماد به این پنجاه رباعی که در صحت انتساب آن‌ها به خیام تردیدی وجود ندارد، نظر محققانی چون فروغی، هدایت، مینوی، یکانی و فولادوند در باب خیام مطالعه گردید و پس از سنجش آنها، نهایتاً سبک رباعیات اصیل خیام در سه سطح زبانی، ادبی و فکری به شکل ذیل ویراسته و جمع‌بندی شد:

در سطح زبانی:

- ۱- ساده، روان، پخته، درست، موجز.
- ۲- عاری از پیچیدگی‌های لفظی، لفاظی، چرب زبانی و عربی مآبی.
- ۳- اربعة الارکانی.

در سطح ادبی:

- ۱- فصیح و بلیغ، استوار، شیرین و روشن.
- ۲- عاری از هرگونه تکلف، آرایش و سستی.

در سطح فکری:

- ۱- دارای معانی لطیف، دقیق و بدیع؛
- ۲- عاری از هزل، موعظه، خطابه، عرفان، مدح و ذم اشخاص، تضرع و زاری از فراق یا شادی از وصال.

برای دریافتن درون مایه اصلی رباعیات نیز با طبقه‌بندی دقیق آن رباعیات و با توجه به نظر محققان مذکور، مضامین ذیل به دست آمد.

- ۱- سؤال از مرگ و یادکرد آن (توصیف)،
- ۲- اعتقاد به نوعی تناسخ (توصیف)،
- ۳- شکایت از دنیا و اشاره به بی‌وفایی آن، روایت تراژدی زندگی بشر (توصیف)،
- ۴- شادی‌طلبی و اغتنام فرصت (توصیه)،
- ۵- مدح شراب یا دعوت به باده‌نوشی (توصیه)،
- ۶- جبرگرایی و بدبینی (تعلیل)،

۷- بینش فلسفی در حل معمای جهان و اظهار تردید و اقرار به عجز (تعلیل).

با توجه به دقت و وسواس به کار رفته در گزینش و بررسی رباعیات، می‌توان در صحت انتساب آن دسته از رباعیاتی که فاقد شرایط سبکی و مضمونی یاد شده نیستند، تردید کرد.

در مورد سبک اشعار حافظ، زنده‌یاد مرتضوی می‌نویسد: «شعر حافظ جامع بلندی معنی و عمق تأثر و لطافت مضمون (محاسن معنوی شعر) و ظرافت و زیبایی مفردات و کلمات و اعجاز در ترکیب کلام و مصنوعیت بی‌تکلف (محاسن لفظی و ظاهری شعر) و ابهام و ابهام (محاسن لفظی و معنوی شعر) است.» (مرتضوی، ۱۳۴۴: ۳) البته رباعیات حافظ کاملاً دربردارنده خصوصیات غزل‌های وی نیست.

هرچند احتمال دارد رباعیات ضعیف منسوب به حافظ از آن خود او نباشد ولی نمی‌توان انکار کرد که در میان غزل‌های حافظ نیز برخی ابیات سست نیز یافته می‌شود.

۶- بررسی رباعیات مشترک

در این بخش یازده رباعی که هم به خیام و هم به حافظ منسوب شده است، ذکر گشته و ذیل هر کدام، نخست محل انتساب به خیام و سپس محل انتساب به حافظ و احیاناً شاعر دیگر آمده است. سپس هر رباعی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی شده و در نهایت نتیجه تحلیل بیان شده است.

۶-۱-

در پای اجل چو من سرافکنده شوم وز بیخ امید عمر برکنده شوم
 زنهار گلم به جز صراحی مکنید شاید که چو پر ز می شوم زنده شوم

۶-۱-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	بودلیان (۸۶۵)، طربخانه (۸۶۷)، پاریس a (۸۷۹)، پیرپاسکال (قرن نهم به بعد)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۰۲)، روزن (۹۳۰)، پاریس (۹۳۴)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹)، برلین II (قرن دهم به بعد).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	فیتزجرالد، نیکلا، وینفیلد، کریستن سن، تامسون، دانش، هدایت I و II، جودت، تیرتها، برتلس، یکانی، فولادوند.

۶-۱-۲- انتساب به شاعر دیگر

در نسخ ذیل جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۳۹): ب (نیمه اول قرن دهم) متعلق به فرزاد، لکهنو (۱۳۲۲ق).

۶-۱-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

به لحاظ بررسی نسخ، انتساب به خیام اقدام است. رباعی زیبا و اربعه‌الارکانی است. در چاپ کریستن سن تناسب بین دو مصراع نخست با عبارات «پای امل» و «دست اجل» به کار رفته است که آن را شاعرانه‌تر و آراسته‌تر کرده است. مقصود رباعی بیان اهمیت می است که زنده‌کننده مردگان دانسته شده است. اشاره به صراحی کردن از خاک مردگان از مضامین مشهور رباعیات خیام است. بنابراین انتساب به خیام اقوی دانسته می‌شود.

۲-۶-

در ده می لعل مشکبو ای ساقی
یک کوزه می بده از آن پیش که دهر

تا باز رهم ز گفت و گو ای ساقی
خاک من و تو کند سبو ای ساقی

۱-۲-۶- انتساب به خیام

نسخ خطی	طریخانه (۸۶۷)، پاریس b (۸۷۹)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۳۴)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹)، برلین II (قرن دهم به بعد).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	تامسون، دانش، هدایت I، تیرتها، یکانی.

۲-۲-۶- انتساب به شاعر دیگر

فرزاد آن را در منبعی که از آن نام نبرده، به نام حافظ یافته است. (۱۳۵۰: ۲۵۹)

۳-۲-۶- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

به لحاظ بررسی نسخ، انتساب به خیام اقدم است. بیش از چهل رباعی منسوب به خیام با واژه «ساقی» شروع شده و بیش از بیست و پنج رباعی منسوب به وی با ردیف «ساقی» آمده است. چندین بار نیز در خلال کلمات موجود در رباعی به کار رفته. اگر این‌ها همگی از آن خیام بودند، می‌توانستند از جمله نخستین ساقی‌نامه‌های ادبیات فارسی به حساب آیند. بعید نیست که نظامی گنجوی ساقی‌نامه‌های خسرو و شیرین را از یک چنین رباعیاتی الهام گرفته باشد؛ ولی هیچ سندی بر این ادعا نیست و قدیمی‌ترین ساقی‌نامه خیام رباعی «زاهد نکند به زهد سود ای ساقی» در مجموعه اشعار (۶۸۱ق) است (رک: میرافضلی، ۱۳۸۲: ۵۰) و نیز رباعی «ساقی علم سیاه شب صبح ربود» که در دستنویس لمعه السراج (۹۵ ق) بدون ذکر نام قائل آمده است. (رک: میرافضلی، ۱۳۸۲: ۶۱) به هر روی رباعی اولی نشان می‌دهد که وجود عبارت «ای ساقی» در رباعیات اصیل خیام مرسوم بوده و کاتبان و گردآورندگان رباعیات ده‌ها رباعی سرگردان را از این جهت به خیام منسوب داشته‌اند.

رباعی حاضر علاوه بر عبارت مذکور، از «کوزه می» و «سبو شدن خاک آدمی» سخن گفته که از جمله واژگان رایج در رباعیات خیام‌اند. اعتقاد به تحول طبیعت و اغتنام فرصت عمر و دوری از منازعات و مجادلات خلق از موضوعات رباعیات اصیل خیام است. از هر حیث انتساب به خیام رجحان دارد.

۳-۶-

آن قصرکه جمشید دراوجام گرفت
روبه بچه کرد و آهو آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۶-۳-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	طربخانه (۸۶۷)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۰۲)، محفوظ الحق (۹۱۱)، پاریس (۹۳۴)، پاریس (۹۴۷)، بریتانیا (۹۷۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، خلاصه اشعار و زبدة الافکار (۱۰۱۶)، بریتانیا (۱۰۳۳)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	فیتزجرالد، نیکلا، وینفیلد، کریستن سن، دانش، هدایت I و II، جودت، فروغی، تیرتها، یکانی، دشتی.

۶-۳-۲- انتساب به شاعر دیگر

در مجموعه‌ای خطی متعلق به قرن هفتم که در شش برگ از آن اشعار و مقامات منثور سدیدالدین اعور (قرن ششم) درج شده است، این رباعی بدون ذکر نام قائل آمده است. (میرافضلی، ۱۳۸۲: ۱۴۷) فریدون بدره‌ای چنین نوشته که ایرج افشار حدس زده است از خود سدیدالدین اعور باشد. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ذیل ۱۳۱) در باب چهارم از قسم یکم جوامع الحکایات و لوامع الروایات (۶۳۰ق) سدیدالدین عوفی نیز بدون ذکر نام قائل آمده است. (عوفی، ۱۳۵۰: ۱۳۲) در کتیبه قرن هشتم بر دیوار مسجد جامع اصفهان نیز نوشته شده است. (ذکوتی، ۱۳۷۷: ۱۹۹) در نسخه متعلق به قرن دهم یا یازدهم تاریخ گزیده (۷۳۰ق) نیز بدون ذکر نام قائل آمده است. (حمدالله مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۱۴) فولادوند بیت دوم آن را در تاریخ و صاف (۶۹۹ق) بدون ذکر نام قائل دیده است. (۱۳۷۹: ۱۳۶ به نقل از و صاف، تا: ۱۲۴) در چاپ سنگی بمبئی یافته نشد. فرزند آن را در منبعی که از آن نام نبرده، به نام حافظ یافته است. (۱۳۵۰: ۱۸۹) میرافضلی در بعضی از نسخ خطی دیوان عراقی هم دیده است. (۱۳۸۲: ۲۳۸) در دیوان عراقی مصحح نفیسی وجود ندارد. بیت دوم آن در کتاب «المعجم فی آثار الملوک العجم» (پیش از ۶۹۸ق) نوشته شرف الدین ادیب فضل الله حسینی قزوینی هم آمده است. (فرزانه، ۱۳۵۳: ۱۶۸ به نقل از المعجم؛ چاپ سنگی ۱۳۲۷ق تهران: ۲۵۳)

۶-۳-۳- نسخه‌بدل‌های مهم

مصراع نخست در چاپ نیکلا و وینفیلد به جای جمشید، بهرام آمده است. مصراع دوم در آنها: آهو بره کرد و شیر آرام گرفت. در چاپ طربخانه، فروغی و هدایت: آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت.

توضیح: اگر در مصراع نخست هم «بهرام» نوشته شود، آن گاه سه مصراع دربارهٔ بهرام خواهد بود و از زیبایی رباعی خواهد کاست. در مصراع دوم، بچه کردن یا بره کردن با «روباه» و آرام گرفتن با «آهو» متناسب است؛ آرام گرفتن روباه یا شیر مناسب به نظر نمی‌رسد.

۶-۳-۴- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب به خیام در قرن نهم صورت گرفته است. در رسائل سدیدالدین اعور و در جوامع الحکایات سدیدالدین عوفی بدون ذکر نام قائل آمده و دلیلی بر تعلق رباعی به هر یک از این دو در دست نیست. با توجه به درج رباعی در یک نسخهٔ قرن هفتم، ممکن نیست سرودهٔ حافظ باشد. با توجه به تاریخ دستنویس‌های دیوان عراقی انتساب به وی نیز ضعیف دانسته می‌شود. رباعی کاملاً اربعهٔ الارکانی است. آراسته است ولی صنایع لفظی چنان ظریف و بدون تکلف به کار رفته که خواننده را بیش‌تر متوجه محتوا می‌کند تا صورت. تراژدی زندگی بشر را روایت می‌کند و به بی‌وفایی دنیا اشاره دارد. بی‌آن که مخاطب خود را موعظه کند، او را متوجه می‌سازد که نباید به زخارف دنیوی دل بندد چرا که هیچ یک نخواهد پایید. دلیلی وجود ندارد که رباعی را به سدیدالدین اعور منسوب بدانیم. به لحاظ سبکی و محتوایی خیامانه است و انتساب آن به خیام صائب می‌نماید.

۶-۴-

آن قصر که با چرخ همی‌زد پهلو
بر درگه آن شهان نهادندی رو
دیدیم که برکنگره‌اش فاخته‌ای
بنشسته همی‌گفت که کوکو کوکو

۶-۴-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	طربخانه (۸۶۷)، پاریس b (۸۷۹)، پاریس (۹۴۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	فیتزجرالد، نیکلا، وینفیلد، کریستن سن، تامسون، دانش، هدایت I و II، فروغی، تیرتها، یکانی، دشتی، فولادوند I، دانشفر.

۶-۴-۲- انتساب به شاعر دیگر

در کتیبهٔ قرن هشتم بر دیوار مسجد جامع اصفهان نیز نوشته شده است. (ذکاوتی، ۱۳۷۷: ۱۹۹) فرزاد آن را در منبعی که از آن نام نبرده، به نام حافظ یافته است. (۱۳۵۰: ۲۴۸-۲۴۹)

۶-۴-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

به لحاظ بررسی نسخه‌ها، نه تنها انتساب به خیام اقدم است، بلکه بعید است در قرن هشتم یک رباعی از حافظ بر دیوار مسجد جامع اصفهان درج شود. مشابه مصراع نخست، مصراع «آن قصر که بهرام درو جام گرفت» است که در اواخر قرن ششم یا در قرن هفتم به کرات در متون مختلف آمده است و بعید نیست که شاعری توانا رباعی «آن قصر که با چرخ همیزد پهلوی» را در قرن هشتم از روی رباعی مذکور سروده باشد و سپس به علت تشابه، هر دو به خیام و سپس به حافظ منسوب گردد. رباعی بسیار ساده، دلنشین و پخته سروده شده است. مضمون رباعی در قصیده معروف ایوان مدائن از خاقانی دیده می‌شود مخصوصاً سه بیت ذیل:

این است همان ایوان، کز نقش رخ مردم خاک در او بودی، دیوار نگارستان
این است همان درگه، کورا زشهان بودی دیلم ملک بابل، هندو شه ترکستان
... پرویز کنون گم شد، زان گمشده کمترگو زرین تره کو برخوان؟ رو کم ترکوا برخوان

(خاقانی، ۱۳۱۶: ۳۶۳-۳۶۴)

توضیح این که «رو نهادن شاهان» به معنی توجه و روی آوردن نیست بلکه به معنی «سجده کردن شاهان در برابر درگاه» است چنان که در تاریخ جهانگشا در باب درگاه منکوقاآن نوشته شده است: «حضرت باشکوه و هیبت او ... مجدر شفا و معفر جباه شاهان نامدار است» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱ ص ۱۷۴) اشاره به بی وفایی دنیا یکی از مضامین رباعیات اصیل خیام است. نتیجه این که انتساب به حافظ ضعیف بوده و انتساب به خیام قوی است.

۶-۵-

گیرم که به اسرار معما نرسی در نکته زیرکان دانا نرسی
اینجا به می لعل بهشتی می ساز کان جا که بهشت است رسی یا نرسی

۶-۵-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	نزهة المجالس (کتابت در ۷۳۱)، بودلیان (۸۶۵)، طریخانه (۸۶۷)، پاریس a (۸۷۹)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۰۲)، پاریس (۹۳۴)، بریتانیا (۹۷۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، برلین II (قرن دهم به بعد).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).

چاپ جدید	نیکلا، وینفیلد، کریستن سن، تامسون، دانش، هدایت I و II، جودت، فروغی، تیرتها، برتلس، یکانی، دشتی، فولادوند I.
----------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۶-۵-۲- انتساب به شاعر دیگر

در چاپ پژمان (۱۳۱۸) جزء رباعیات حافظ آمده است. (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۵۸)

۶-۵-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب به حافظ ضعیف است. عکس آن، انتساب به خیام در منابع مهم صورت گرفته است. استفاده از واژگان «سر و اسرار و معما» در رباعیات منسوب به خیام پرکاربرد است. در نسخه بدل نزهة المجالس برای مصراع سوم گویا شاعر برای درست شدن وزن شعر مجبور به استفاده از واژه «همانا» شده است. این نشان می‌دهد که نباید در مجموعه‌هایی همچون نزهة المجالس یا دیگر سفینه‌ها و جنگ‌ها که احتمال می‌رود مؤلف کتاب بسیاری از اشعار را به مدد حافظه خود یا روایت برخی احباب گردآورده، تنها به علت قدمت نسخه اقدام به اختیار نوشته متن و نادیده گرفتن دیگر نسخه بدل‌ها کرد. معما دانستن سر خلقت و اظهار شبهه در مورد آینده موضوع محوری این رباعی است. شاعر معاد را انکار نمی‌کند اما مخاطبی را که آینده‌اش را بهشت می‌داند، به تفکر وا می‌دارد که آیا واقعاً بهشت موعود برای وی محقق خواهد شد یا نه؟ باز به مخاطبش می‌گوید اگر هدفش بهشت است، می‌تواند با سبزه و می یا می و نقل یا شراب سرخ برای خویش بهشتی سازد. دو وجه مفروض است: یکی این که شاعر، خواننده را دعوت به اغتنام فرصت و بهره‌مندی از شراب انگوری می‌کند و دوم این که اعتقاد خیام در مورد بهشت مشابه اعتقاد ناصر خسرو بوده چنان که گفته است:

گر بهشتی تشنه باشد روز حشر	او بهشتی نیست بل خودکافراست
در بهشت ار خانه زرین بود	قیصر اکنون خود به فردوس اندراست
این همه رمز و مثل‌ها را کلید	جمله اندر خانه پیغمبراست

(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۳۴)

در این صورت مقصود خیام در ایجاد تردید درباره بهشت، هدف ندانستن آن و دیگرگون شمردن آن خواهد بود. با توجه به انتساب رباعی به خیام در نزهة المجالس، می‌توان آن را یکی از رباعیات اصیل و مرجع خیام شمرد.

۶-۶-

از آمدن و رفتن ما سودی کو وز تار امید عمر ما پودی کو

در مجمر چرخ جان چندین پاکان می‌سوزد و خاک می‌شود دودی کو

۶-۶-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	بودلیان (۸۶۵)، طریخانه (۸۶۷)، پاریس a (۸۷۹)، پیرپاسکال (قرن نهم به بعد)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، محفوظ الحق (۹۱۱)، پاریس (۹۳۴)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	نیکلا، وینفیلد، کریستن سن، تامسون، دانش، هدایت I و II، جودت، فروغی، تیرتها، برتلس، یکانی، دشتی، فولادوند II.

۶-۶-۲- انتساب به شاعر دیگر

فرزاد آن را در منبعی که از آن نام نبرده، به نام حافظ یافته است. (۱۳۵۰: ۲۴۹) در نسخ ذیل جزء رباعیات باباافضل آمده است (افضل، ۱۳۶۳: ۱۶۲) (افضل، ۱۳۵۱: ۱۶۸) (رازی، ۱۳۴۰: ۴۵۰/۲): سفینه اقبال (قرن دهم)، تذکره هفت اقلیم (۱۰۰۲ق)، مدرسه سلطانی (۱۲۱۵ق)، کتابخانه مجلس (۱۳۱۹ق).

۶-۶-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب به حافظ ضعیف است. حدود یک قرن پیش از انتساب به باباافضل به نام خیام آمده است. بنابراین به لحاظ بررسی نسخه‌ها، انتساب به خیام اقدم است. رباعی ساده، دلنشین، پخته، فصیح و بلیغ است. تشبیه چرخ به مجمر به جهت گرد، آتشین و سوزان بودن بسیار زیباست. نسخه بدل‌های مصراع سوم هیچ کدام لطف متن را ندارد. در نسخه پیرپاسکال «آتش چرخ» و «پاکان وجود» اضافه اختصاصی‌اند که عمق و ظرافت تشبیه مذکور را ندارند. در نسخه‌های بودلیان، پاریس و روزن مصراع سوم رباعی ذیل تکرار شده که اشتباه کاتبان یا راویان می‌تواند باشد:

ترکیب پیاله‌ای که درهم پیوست بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
چندین سر و پای نازنین از سر و دست از مهر که پیوست و به کین که شکست

اشاره دارد به بی ثمری زندگی دنیوی، بی وفایی عمر، شکایت از چرخ و نامعلوم بودن نتیجه حیات و مرگ. هر چهار موضوع جزء مضامین رباعیات اصیل خیام است. از مصراع چهارم می‌شود به انکار معاد نیز تعبیر کرد اما اگر با روحیه پرسش‌گری خیام آشنا باشیم، این گونه مضامین را به مطرح کردن یک مسأله و به اندیشه واداشتن عقلای زمان تعبیر خواهیم کرد. بنابراین به لحاظ قدمت نسخ و سبک و محتوا، انتساب به خیام رجحان دارد.

۶-۷-

می‌نوش که عمر جاودانی این است
خود حاصلت از دور جوانی این است

هنگام گل و باد و یاران سرمست
خوش باش دمی که زندگانی این است

۶-۷-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	بودلیان (۸۶۵)، طربخانه (۸۶۷)، پاریس a (۸۷۹)، بریتانیا (۹۷۷).
چاپ سنگی	لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	وینفیلد، تامسون، دانش، هدایت I و II، فروغی، تیرتها، یکانی، فولادوند II.

۶-۷-۲- انتساب به شاعر دیگر

در نسخ ذیل جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۱۸۴-۱۸۵): ب (نیمه اول قرن دهم)
متعلق به فرزاد، لکهنو (۱۳۲۲ق)، محمد قدسی (۱۳۲۲ق)، پژمان (۱۳۱۸ش).

۶-۷-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

حدود یک قرن پیش از انتساب به حافظ، به نام خیام درج شده است. شعر ساده و بی‌آرایش و تکلف است. مشابه رباعی دیگر منسوب به خیام است:

با باده نشین که ملک محمود این است
وز چنگ شنو که لحن داوود این است

از آمده و رفته دگر یاد مکن
حالی خوش باش زانکه مقصود این است

(اقدام نسخ: طربخانه (۸۶۷))

هیچ مضمون فلسفی در رباعی نیست. تنها مدح شراب و دعوت به اغتنام فرصت است. بنابراین انتساب رباعی به خیام ترجیح دارد.

۶-۸-

آن لعل در آبگینه ساده بیار
و آن محرم و مونس هر آزاده بیار

چون می‌دانی که مدت عالم خاک
باد است که زود بگذرد باده بیار

۶-۸-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	بودلیان (۸۶۵)، طربخانه (۸۶۷)، پاریس a (۸۷۹)، نجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۰۲)، بریتانیا (۹۷۷).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷).

لکهنو(۱۳۱۲)، استانبول(۱۳۱۹).	
چاپ جدید	نیکلا، تامسون، دانش، جودت، فروغی، تیرتها، یکانی.

۶-۸-۲- انتساب به شاعر دیگر

در نسخه‌ی ب (نیمه اول قرن دهم) متعلق به فرزاد و چاپ سنگی لکهنو (۱۳۲۲ق) جزء رباعیات حافظ آمده است. (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۱۷)

مولوی رباعی مشابهی دارد: (مولوی، ۱۳۴۲: ۱۵۱) و (مولوی، ۱۳۸۱: ۱۳۹۳)

ساقی گفتم تو را می ساده بیار
وان زنده کن مردم آزاده بیار
گفتی که درین دور فلک بادی هست
تا باد رسیدن ای صنم باده بیار

۶-۸-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

رباعی مولوی تنها شبیه رباعی حاضر است. یک قرن پیش از انتساب به حافظ به خیام منسوب شده است لذا به لحاظ بررسی نسخ، انتساب به خیام تقدم دارد. رباعی اربعه الارکانی نیست. ترکیب «می ساده» به شراب ناب اشاره دارد و مقصود از آبگینه ساده شاید پیاله ظریف شیشه‌ای باشد که شراب از آن هویداست چنان که گفته شده: «رق الزجاج و رقت الخمر ...». مقصود رباعی دعوت به باده‌نوشی است و فراغت از اندیشیدن به کوتاهی عمر. محتوا خیامانه است و انتساب به خیام اقدم؛ هر چند به لحاظ سبکی لطفی در رباعی دیده نمی‌شود، به ناچار احتمال انتساب آن به خیام قوی‌تر می‌نماید.

۶-۹-

آن به که به جام باده دل شاد کنیم
وز آمده و گذشته کم یاد کنیم
وین عاریتی روان زندانی را
یک لحظه ز بند عقل آزاد کنیم

۶-۹-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	بریتانیا(۹۷۷)، بودلیان(قرن دهم)، بریتانیا(۱۰۳۳)، بریتانیا(۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو(۱۳۰۰)، سنپترزبورگ(۱۳۰۶)، بمبئی(۱۳۰۷)، لکهنو(۱۳۱۲)، استانبول(۱۳۱۹).
چاپ جدید	نیکلا، وینفیلد، تامسون، دانش، هدایت I، جودت، تیرتها، فولادوند II.

۶-۹-۲- انتساب به شاعر دیگر

در نسخ ذیل جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۳۸): لکهنو (۱۳۲۲ق)، محمد قدسی (۱۳۲۲ق)، پژمان (۱۳۱۸ش).

۶-۹-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب به حافظ ضعیف و انتساب به خیام اقدم است. شعر ساده، بی تکلف و زیباست. هدف رباعی رهایی روح از بند عقل است و این که اگر رهایی از عقل صرفه جو و حسابگر حاصل شود، روان آدمی به شادی خواهد رسید. طبیعی است که مصداق زمینی و عینی این عمل با جام باده صورت می‌گیرد ولی آن باده وسیله است، هدف نیست. با در نظر گرفتن قدمت نسخه‌ها و سبک و محتوای شعر انتساب رباعی به خیام صائب می‌نماید.

۶-۱۰-۱-

گویند هر آن کسان که با پرهیزند زان سان که بمیرند چنان برخیزند
ما با می و معشوقه از آنیم مدام باشد که به حشرمان چنان انگیزند

۶-۱۰-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	طریخانه (۸۶۷)، پاریس b (۸۷۹)، پیرپاسکال (قرن نهم به بعد)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۰۲)، محفوظ الحق (۹۱۱)، پاریس (۹۳۴)، بریتانیا (۹۷۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، عرفات العاشقین (۱۰۲۴)، بریتانیا (۱۰۳۳).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	تامسون، دانش، هدایت I، جودت، فروغی، تیرنهای، برتلس، یکانی، دانشفر.

۶-۱۰-۲- انتساب به شاعر دیگر

در نسخ ذیل جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۰۷): ب (نیمه اول قرن دهم) و ک (نیمه اول قرن یازدهم) متعلق به فرزاد، لکهنو (۱۳۲۲ق)، پژمان (۱۳۱۸ش).

۶-۱۰-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب به خیام زودتر از انتساب به حافظ صورت گرفته است و کثرت انتساب به خیام قابل توجه است. زیبا و پخته سروده شده و اربعه الارکانی است. مضمون رباعی پرسش‌گری درباره معاد جسمانی است. شاعر می‌پرسد چرا آن چه در این دنیا حرام شده، در بهشت وعده داده شده و اگر قبیحی در مذمومات دنیوی باشد، چرا باید مقصود عبادت و تزهّد، رسیدن به آن‌ها دانسته شود. تکرار مضمون رباعی ذیل منسوب به خیام است:

گویند که فردوس برین خواهد بود آن جامی ناب و حور عین خواهد بود

گر ما می و معشوق گزیدیم چه باک
چون عاقبت کار چنین خواهد بود
(اقدام نسخ: طریخانه (۸۶۷))

به لحاظ سبکی و محتوایی خیامانه است و با در نظر گرفتن تاریخ نسخ، انتساب به خیام اقوی است.

۱۱-۶-

افتاد مرا با می و مستی کاری
خلقم ز چه می کند ملامت باری
ای کاش که هر حرام مستی دادی
تا من به جهان ندیدمی هشیاری

۱۱-۶-۱- انتساب به خیام

نسخ خطی	طریخانه (۸۶۷)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، پاریس (۹۳۴)، روزن (قرن دهم)، پاریس (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، ریاض العارفین (۱۲۶۴)، مجمع الفصحا (۱۲۸۴)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید	نیکلا، وینفیلد، تامسون، دانش، جودت، تیرتها، یکانی.

۱۱-۶-۲- انتساب به شاعر دیگر

فرزاد آن را در منبعی که از آن نام نبرده، به نام حافظ یافته است. (۱۳۵۰: ۲۵۷)

۱۱-۶-۳- تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

به لحاظ بررسی نسخه‌ها، انتساب به خیام تقدم دارد. شش رباعی متحدالقافیه با این رباعی به خیام منسوب شده است: «از کوزه گری کوزه خریدم باری»، «زینهار کنون که می توانی باری»، «چون آگهی ای دوست ز هر اسراری»، «چون می نرود به اختیارت کاری»، «دی آمدم و نیامد از من کاری»، «ای کوزه‌گر آهسته اگر هشیاری». همایی تأکید کرده که «همه این شش رباعی را نمی توان باور کرد که از خود خیام باشد.» (رشیدی، ۱۳۷۲: ذیل ۷۵)

شاعر می گوید هر مشکلی که بشر در اجتماع می بیند، از سر هوشیاری وی است و همه مشکلات و منازعات زایدی زاده خواهی عقل و نفس او است. لذا اگر ممکن بود که از این خرد زیاده خواه رها شد، هیچ زبانی به کسی نمی رسید. ازین رو زبان به مدح شراب می گشاید و با وجود وقوف بر حرمت، آن را برطرف کننده اختلافات دنیوی می شمارد و به بیانی دیگر همان مضمون را می رساند که «صدکار کنی که می غلامست آن را». انتساب به حافظ ضعیف بوده و انتساب به خیام رجحان دارد.

نتیجه

در این مقاله یازده رباعی که هم به خیام و هم به حافظ منسوب بود، ذکر شد و تاریخ و محل انتساب هر یک درج گردید. هر رباعی جداگانه تحلیل سبکی و محتوایی شد. انتساب این رباعیات به اشخاص دیگر نیز بیان شده و در صورت وجود آن در یک متن کهن، نام آن منبع هم نوشته شده است. از این پژوهش برمی آید به لحاظ تاریخ انتساب، تعلق این یازده رباعی به حافظ ناممکن می نماید. این پژوهش نشان می دهد که رباعیات مورد بحث از حیث تطابق با سبک رباعیات اصیل خیام، با در نظر گرفتن سه سطح زبانی، ادبی و فکری و همچنین یکسویی آنها با رباعیات اصیل وی خیامانه اند و به دلیل تقدم و کثرت انتساب به خیام و مؤلفه های نسخه شناسی، انتسابشان به خیام رجحان دارد.

یادداشت ها

1. Valentin Zhukovsky.
2. Arthur Christensen.

منابع

- افضل‌الدین کاشانی، (۱۳۵۱)، *دیوان افضل‌الدین محمد مرقی کاشی*، به کوشش مصطفی فیضی و همکارانش، کاشان، اداره فرهنگ و هنر.
- _____ (۱۳۶۳)، *رباعیات باباافضل کاشانی*، به تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات فارابی.
- اوحدی حسینی بلیانی، تقی‌الدین محمد، ۱۳۸۹، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین* (۸ جلد)، به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد، با نظارت محمد قهرمان، تهران، میراث مکتوب و کتابخانه‌ی مجلس.
- جوینی، عطاملک، (۱۳۸۷)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، به تصحیح محمد قزوینی، به اهتمام احمد خاتمی، تهران، نشر علم.
- حمدالله مستوفی، (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به تصحیح دبیرسیاقی، تهران، انتشارات طهوری.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، ۱۳۱۶، *دیوان خاقانی شروانی*، به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران، چاپخانه سعادت.
- خیام، عمر بن ابراهیم، (۱۳۳۲ق)، *رباعیات عمر خیام*، چاپ سنگی به اهتمام بابو منو هرلال، لکهنو، مطبع منشی نولکشور.
- _____، (۱۳۴۰ق)، *رباعیات عمر خیام*، با ترجمه‌ی حسین دانش، تحلیل فلسفی رضا توفیق، چاپ کتابخانه اقبال.
- _____، (۱۹۲۶م)، *رباعیات خیام*، با ترجمه، پیشگفتار و حواشی ترکی از عبدالله جودت، استانبول، مطبعه‌ی شرکت مرتبیه، ویراست ۲.
- _____، (۱۹۲۸م)، *رباعیات حکیم عمر خیام*، به کوشش فریدرخ روزن، برلین، چاپخانه‌ی کاویان.
- _____، (۱۹۵۹م)، *رباعیات عمر خیام*، با ترجمه، پیشگفتار و حواشی روسی از یوگنی برتلس، رستم علیف و محمد نوری عثمانوف، مسکو، انستیتو خاورشناسی.
- _____، (۱۳۷۳)، *رباعیات خیام*، با مقدمه‌ی محمدعلی فروغی و قاسم غنی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات ناهید.
- دانشفر، حسن، (۱۳۵۴)، *درباره رباعیات خیام*، با مقدمه‌ای از مجتبی مینوی، تهران، انتشارات اسکندری.
- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، (۱۳۷۷)، *عمر خیام*، چ ۱، تهران، انتشارات طرح نو.
- رازی، امین احمد، (۱۳۴۰)، *هفت اقلیم* (۳ جلد)، به تصحیح جواد فاضل، تهران، کتابفروشی علمی و ادبیه.

- رشیدی تبریزی، یاراحمد بن حسین، (۱۳۷۲)، *طربخانه*، به تصحیح جلال الدین همایی، تهران، مؤسسه نشرهما.
- شروانی، جمال خلیل، (۱۳۶۶)، *نزهة المجالس*، به تصحیح محمدامین ریاحی، تهران، زوار.
- عوفی، سدیدالدین محمد، (۱۳۵۰)، *جوامع الحکایات بخش مربوط به ایران* (باب چهارم از قسم اول)، به تصحیح جعفر شعار، تهران، انتشارات دانشسرای عالی.
- فرزاد، مسعود، (۱۳۵۰)، *صحت کلمات و اصالت اشعار حافظ* (قصاید، قطعات، رباعیات و مثنویات)، کانون جهانی حافظ‌شناسی شیراز، تهران، چاپخانه کیهان.
- فرزانه، محسن، (۱۳۵۳)، *خیام شناخت*، چ ۱، تهران، سازمان خوشه.
- فولادوند، محمدمهدی، (۱۳۷۹)، *خیام شناسی*، چ ۱، تهران، انتشارات الست فردا.
- کریستن سن، آرتور، (۱۳۷۴)، *بررسی انتقادی رباعیات خیام*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر توس.
- مرتضوی، منوچهر، (۱۳۴۴)، *مکتب حافظ*، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، (۱۳۴۲)، *کلیات شمس*، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- _____، (۱۳۸۱)، *کلیات شمس تبریزی*، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، چ ۱۶، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- میرافضلی، سید علی، (۱۳۸۲)، *رباعیات خیام در منابع کهن*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۷۰)، *دیوان ناصر خسرو*، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- هدایت، جهانگیر، (۱۳۸۱)، *خیام صادق*، تهران، نشر چشمه.
- هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۱۶)، *ریاض العارفین*، به اهتمام سید احمد مهذب، تهران، کتابخانه مهدیه طهران.
- _____، (۱۳۳۶) و (۱۳۳۹)، *مجمع الفصحاح* (ج ۱ و ۴)، به تصحیح مظاهر مصفا، تهران، نشر امیرکبیر.
- هدایت، صادق، (۱۳۳۶)، *ترانه‌های خیام*، تهران، انتشارات جاویدان.
- یکانی، اسمعیل، (۱۳۴۲)، *نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او*، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- Christensen, Arthur, (1905), *Recherches sur les Ruba'iyat de 'Omar Hayyam*, Heidelberg Carl Winter's Universitätsbuchhandlung, Germany.
- Heron Allen, Edward, (1898), *The Ruba'iyat of Omar Khayyam, A Facsimile of the MS in the Bodleian Library, London, H S Nichols, LTD.*

- Mahfuz-ul-Haq, M., (1939), *The Ruba'iyat of Umar-i-Khayyam*, Calcutta, Baptist Mission Press.
- Nicolas, Jean-Baptiste, (1869), *Les Quatrains de Kheyam*, Paris, Imprimerie Imperiale.
- Pascal, Pierre, (1959), *Les Roba'iyat D'Omar Khayyam de Neyshaboor*, illustrations photographiques du traducteur Editions du Caeur Fidele via di Campo Marzio, Rome.
- Tirtha, Swami Govinda, (1941), *The Nectar of Grace: Omar Khayyam's Life and Works*, Hyderabad, Government Central Press.
- Thompson, Eben Francis, (1906), *The Quatrains of Omar Khayyam of Nishapur*, Worcester County, Massachusetts, The Commonwealth Press.
- Whinfield, E. H., (1883), *The Quatrains of Omar Khayyam*, London, Trübne & Co.